

**بیانه**

**سازمان مجاهدین خلق ایران**

**در**

**پاسخ با اتهامات اخیر رژیم**

**مرداد ۵۲**

## اعلامیه

بِسْمِ خدایِ مَعْتَمَدِ خَلْقِ قَهْرْمَانِ اِیْرَانِ  
مَعَاشرِ الْمُسْلِمِیْنِ ( استشعروا الخشبه وتجلببوا السکینه وضوا علی التواجد • •  
والحظوا الخرز وصلوا السیوف بالخطا فعاودوا الکر و استحبوا من الفرو علیکم  
بهذا السواد الاعظم والرواق الطنب فاضروا تهجه فان الشیطان کامن فی

کسره )

ای گروه مسلمانان ( ترس از خدا را ( که بزرگترین ترسهاست ) شعار خوش  
قرار دهید ( وعلت آن ) آرامش خاطر بیاید و نداننها پتان را ( ازخشم )  
روی هم بفتنارید و دشمن را ( که بعلمت باطل بودنش محکوم به شکست و ننا-  
براین بی مقدار است ) بگوشه چشم و خشمناک بنگرید و شمشیرها را ( اگر  
کوتاه است ) بپیش نهادن گام ها ( به قلب دشمن ) برسانید ( ضعف  
سلاح های خود را با فداکاری جبران ناپذیر ) • پس بی دریغ حمله کنید و  
از گریختن شرم کنید و به آسانی به استقبال مرگ بروید • و هر شهابی ( سمت  
کبری سلاح های پتان ) بسوی این سپاهی بزرگ ( لشکر معاویه ) و سراپرده  
افراشته شده ( بارگاهی که معاویه بظاهر مسلمان ! و سایر رهبران رژیم  
ضد مردمی اش در آن نشسته بودند و در قلب سپاه دشمن جای داشت ) پس  
درون آن سراپرده راهزنید • ( که هدف اصلی از این بردن سران رژیم سی  
است که این انبوه لشکریان را گرفته و گرد آگرد خود بسپار کرده و در مقابل نیرو-  
های انقلابی قرار داده است ) زیرا شیطان در گوشه آن پنهان است ( )  
( قسمتی از سخنان علی بن ابیطالب علیها السلام در جنگ صفین  
نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام - صفحه ۱۶۹ )

نگران نباشیم ، نهرنگ ضد انقلاب ، انقلاب را برانگند ، نکند  
 ما از روز نخست پیمان بسته ایم که فقط با خلق خود سخن بگوئیم ، و اسخ دشمن  
 را جز با کلوله ، جز با خشم و قهر انقلابی ندهیم . بنابراین روی سخن ما مرد -  
 اند . ما در این بهانه تنها قصد توضیح نقطه نظرهای خود را داریم ، نه قصد  
 پاسخگویی به پاوه های دشمن جنایتکار . بگذار خون پاک جوانان ما را بریزند  
 و سپس در یوقهای تهلنجاتی خود پاوه سرد هند . برای آنکه جلوی این پاوه -  
 ها را گرفت باید گلوی پاوه گور افشرد .

چندی است که تهلنجاتچی های رژیم ضد مردمی شاه از عده ای " خرابکار " ،  
 " تروریست " ، " دزد نامسلان " ، " بیوطن " ، و " مرتد " نام می -  
 برند . اینها چه کسانی هستند ؟ در زیر این نهرنگ شاهانه چه چیز نهفته  
 است ؟

۱ - دستگاه ضد مردمی ایران به رهبری شاه هرزه و خائن میخواهد دستهای  
 خود را که آغشته به خون پاکترین انقلابیون ایران است از نظرها پنهان دارد .  
 اینها رخدایگان آریامهر ! به نمایندگی استعمار و ارتجاع میخواهد خون رز -  
 مندگانی را بنوشد که آشکارا مسلمانند . خون " مجاهدین خلق " را . ولی  
 از خشم خلق مسلمان هراسناک است . اینست که ابتدا سعی دارد اینها را  
 " نامسلان " و " مرتد " معرفی کند .

۲ - دستگاه ضد انقلابی ایران ابلهانه میبندد که مردم مسلمان ایران از تهران و اشکنجه بیکارگران انقلابی آزاده ای چون صفائیه ، مفتاحیه ، انفرادی ها ، کتیرائی ها و احمدزاده ها و ۰۰۰ از آن رویه توانسته آنها را مثلا نامسلمان یا مارکسیست معرفی کند خشنود هستند . پس ابلهانه می - بندد که اگر " مجاهدین خلق " را نیز تهمت نامسلمانی بزند میتواند تهر - باران آنها را مورد پذیرش مردم کند . و حال آنکه مردم ایران و جهان سال هاست که این نیرتک را کهنه کرده اند . و دیدنی تر از همه اینکه تهمت نام - مسلمانان از جانب کسانی بجاخته میشود که در کینه و دشمنی نسبت با اسلام و خلق مسلمان در ایران و در سایر کشورهای اسلامی سابقه طولانی دارند .

۳ - دستگاه ضد انقلابی ایران متوجه موج کوه بیکرنجینی در میان بیکارگران انقلابی توده شده است : یگانگی و وحدت { همچنین از تاثیر عظیمی که مجاهدین خلق با تکیه ریشه ای و استراتژیک بر مبنای پاناسلام بر روی عموم طبقات و اقشار تحت ستم گذارده اند و میزند شگرفی که بین پیشگامان انقلابی مسلح خلق توده های مردم پدید آمده رزم ضد مردمی شاه شدیدا بوجهت افتاده است . ضد انقلاب شاه که هر چه کوشید تا بلکه به پنهان های دهنسی و مسلکی میان پیشگامان انقلاب ایران جدائی افکند کارش بجائی نرسید ، ناچار میکوشد تا شاید میان پیشاهنگ انقلاب و مردم جدائی افکند ، ولی در این زمینه هم ناکام خواهد ماند .

اینهاست انگیزه‌هایی که ضد انقلاب را وادار به باورگوشیهای بی سروتسو  
 هنران های رادپوشی روزنامه ای کرده است . باوه های بی سروتسی چون  
 " اسلام و مارکسیسم چیست و مرتد کجاست ؟ " " مارکسیسم اسلامی " "  
 " ترویسیم " ، " خرابکاری و زدنی " ، " بیوطنی " و " خیانت " پرده  
 داخته و دهم نشد زیرا ما را واداشت که درگفتن پارهای مطالب که دراند پشه  
 آن بود هم شتاب کنیم .

آنها مهروانمود میکنند که حتی حاضر نیست چند دقیقه از وقت قمارو عیاشی اش را  
 صرف توجه به خشم مردم و فرهاد آنها بکند ، ولی مجبور میشود همه قدرت و  
 نیرو و وقتش را صرف همین " ترفه بازان " کند . آنها مهربانند اما میکنند اینها  
 دشمن مردم و مردم دشمن آنها هستند حتی از افشای نام آنها و محاکمه  
 آنها و اعدام آنها وحشت دارد . حتی از دادن اجساد پاک شهید اهام میترسد  
 و آنها را به خانواده هایشان نمیدهد زیرا از این میترسد که گور آنها زارتگاه  
 مردم ستندیده ورنجبر شود . زیرا از خشم و شورش مردم هراس دارد . درحالی  
 لیکه از تب ناشی از ترس میسوزد ، بحالت هذیان فرهاد میزنند : " اینها کار  
 استعمار است ! " راستی کدام استعمار ؟ مادر جهان يك استعمار بیشتر  
 نمی شناسیم ، و رهبری این استعمار هم بدست د و آخوینند بزرگ و تجاوزکار که  
 آنها مهروکنیه نوکران استعمار سرد را خویش دارند یعنی آمریکا و انگلیس است .  
 و يك ارتجاع هم بیشتر نمی شناسیم که حامی اش همان استعمار بود افع سرسختش  
 رژیم سیاه پهلوی است . شما از جانب هیچ نیروی استعماری تهدید نمی شوید

و همه اینرا میدادند • شما از جانب توده های رنج دیده و مستعد دیده و گرمسینه تهدید میشوید ، که گرچه بی سلاحند ولی با چنگ و دندان کمربه انهدام و هلاکت شما هستند • چیزی که تصورش را هم نمیکردید { و خود را مالک ابدی گورستان خاموش ایران تصور میکردید • این کور دلی صفت همه سر-تجمین تاریخ است و به تعبیر قرآن \* وَطَبِحَ عَلٰی قُلُوْبِهِمْ وَهُمْ لَا يَفْقَهُوْنَ \* لاجماس و اندیشه آنها خشکیده و نمیفهمند • (سوره توبه ۸۷)

مردم ایران مردم مسلمانند و سنتهای اسلامی در مردم و فرهنگ مارش هائی عمیق دارد و سرانجام اسلام در میان مردم مابحق قوامی والا دارد • همین امر باعث شده که رژیمهای مرتجع و جنایتکار در ایران خود را همیشه مدافع اسلام نشان دهند و به چپاول مردم بپردازند • سالها دلقان دغلباز روحانی نمای دهراری السلطان ظل الله ( پادشاه سایه خداست ) گفتند مردم راه بهیروی از اولی الامر که کسی جز آریامهر را منظورند اشتند دعوت کردند • ولی مردم ما ضد ستم باقی ماندند • شاه دغلاکار خائن که ادعا میکند از همه بخد انزد بکنتر است ، و ادعا میکند که بارها و بارها از حمایت حضرت عباس و حضرت ولی عصر (ع) برخوردار بوده است ، ولی این مسئله فقط توانست بعنوان لطفه ای بسیار خنده آور برای مردم باشد • روزگاران فراوانی بوده است که ارتجاع و استعمار با کمستن صفوف انقلاب بفرمانروائی خود میافزود • چه میکرد ؟ از ناآگاهی مردم به بنیانهای آئین اسلام بهره می-

گرفت و با خریدن عناصر خائنی که لباس ساختگی مذهب راد بر کرده بودند  
انقلاب و انقلابی را تکفیر میکرد ، مردم را با این نیرنگ از انقلاب و انقلابیون  
جدامینمود . هنوز فراموش نشده است که چگونه محمدعلی شاه زهارتنامه  
عاشورا راد رتبه زچاپ و خشن میکرد ، تا خود را حامی اسلام جا بزنند و تادست  
خود را برای کومیدن انقلاب بازکنند . محمدعلی شاه در چه زمانی زهارتنامه  
را رامنشربیکرد ؟ اودر زمانی اینکار را میکرد که سرافای ایران راد رروزعاشورا  
شورا از خون نفع الاسلام هاسرخ کرده بود .

مرد همه تنه کارهای محمدعلی شاه ، رضاخان قزاق چه میکرد ؟ رضاخان  
با پهرنه همراه دست سینه زنی براه میافتاد ، گل به پیشانی میمالید و  
زاری میکرد . آها همه اینهارا از روی ایمان باسلام و دوستی با حسین بن علی  
(ع) انجام میداد ؟ هرگز ! رضا شاه درست در زمانی بدنهال دستمال  
های عزاداری سینه میزد و گل بر پیشانی میمالید که خون مد رسهارا پخساک  
ایران میپاشید و حرم مادران و خواهران مسلمان ماتجاوز میکرد . هنوز  
خاطره سهاکانهای اوتحت عنوان کشف حجاب دلهارا میآزارد . درست  
بخاطر همین جناپتها بود که رضاخان قلد رپخود سیمای مذهبی میداد . رضا  
شاه با مسلمان جلو دادن خود میخواست اسلام انقلابی وضداستعمار را  
بکشد ، ولی نه رضاخان قزاق ونه محمدعلی شاه هیچکدام پنهانگذار این  
شیوه نیرنگ و دغلکاری نیستند . آنها همگی شاگردان راستین و فسادار  
معاویه هاونزدها هستند . معاویه چه کرد ؟ مگر معاویه ادعای سلطانی

نداشت ؟ او حتی هر روز نماز جماعت هم مهرت ، که آنها مهرنمیرود . او  
 حتی روزه هم میگرفت که آنها مهرنمیگیرد . او با بوقهای تبلیغاتی اش چنان  
 خودش را سلطان دواتشه جازده بود که علی (ع) را کسی به مسلمانی یاد  
 نداشت ، بطوریکه مردی از اهل شام خبرشهادت علی را در حال نماز  
 شنید و ماتمجب پرسید مگر علی نماز هم میخواند ؟ این بهشرمهای کوچکی  
 نیست . بمبار هم بزرگ است ولی آنرا که خائن و دزد و فرومایه است به شرم  
 چه نیاز ؟ باید هم بهشرم باشد ، معاویه هم از همین قماش بود . محمد  
 علیشاه و رضاخان قلد رهم از همین قماش بودند . و اکنون فرزند خلف آنها ،  
 آنها مهرهم از همین قماش است . آنها مهر برای خیانت و دغلتکاری درست پسر  
 رد پای استاد تاریخش ، معاویه وزید گام میگذارد . در حالیکه مدعی  
 اسلام است ، پاکبازترین مسلمانان را بچوخته اعدام میسپارد . مدعی اسلام  
 است ولی به اسرائیل غاصب بنزین میبخشد ، تا هواپیماهای فانتوم صهیو -  
 نهم بتواند مسلمانان عرب و رزمندگان فلسطینی و انقلابیون ضد استعمار را  
 بمباران کند . ادعای مسلمانی دارد ولی جشن میگیرد و سوچرانهای جهانی  
 را به شراب ۵۰ ساله فرانسه میهمان میکند . پیشوای شیعیان جهان آیت -  
 الله خمینی را از وطنش بیرون میکند ، ادعای مسلمانی دارد ولی آیه الله طالقانی  
 مجاهد بزرگ را بجرم همکاری با مجاهدین خلق بتراب وافت تمهید میکند .  
 ادعای مسلمانی دارد ولی آیه الله سعیدی قهرمان تراد زهر شکنجه میکند .  
 ادعای مسلمانی دارد ولی امتها ز سپهر برداری از دست قزوقین را به اسرائیل



مه دهد تا در آن کشت و بهره برداری بکند و محصول آنرا برای سرمایه‌زانی می  
 فرستد که شکمهای گرسنه توده مسلمان عرب و انقلابیون بیخانمان فلسطینی  
 را می‌دردند. و سرانجام به‌شرفی را با آنجا می‌رساند که قرآن خدا را بنام "قرآن  
 آری‌مهر" چاپ میکند. چه کسی را می‌خواهد فریب دهد؟ آیا خدا ایگان -  
 اگر با مهر اولین کسی است که ادعای خدائی دارد؟ او چنان به‌شرفی و  
 سیاهی و فرومایگی ببار آورده که بر راستی باید گفت صد رحمت به معاویه می‌زند!  
 در چنین هنگامه ای از لثامت فرعون، تازه آری‌مهر از اسلام هم یاد میکند.  
 لیکن اسلامیکه آری‌مهر از آن یاد میکند کدام اسلام است؟ اسلام استعمار  
 و اسلام استعمار حتی اسلام معاویه هم نیست. اسلام استعمار، اسلام  
 ویژه ای است که ثمره آن مستعمره شدن کشورهای اسلامی و چپ‌پرو شدن  
 استعمار پرچان و نامبر، مردم مسلمان است. بنابه اسلام استعمار، اسلام  
 تنها برای آن دنیا ساخته شده است، اسلام کاری به زندگی ندارد. بنسأ  
 با اسلام استعمار سلطان باید گوشت مانده و فاسد را از استرالیا وارد کند، ولسی  
 چوپانهای ماراد چرگاه‌ها به گلوله ببندند، زیرا که شکارگاه سلطنتی است!  
 کند مشا را باید آمریکا صدقه سری بدهد. ما بحتاجش از اسرائیل وارد شود و در  
 عوض مسلمانان به نوکری بیگانگان بنازند. اسلام استعمار اینست که جوامع  
 اسلامی مستعمره کشورهای استعماری باشند، و همه دارائی و تولید و منابع  
 کشورهای اسلامی را با یمنی استعمار تاراج کند. لیکن اسلام محمد (ص)  
 اسلام راستین است. اسلام راستین اسلام انقلابی است، که با زبونی جوامع

اسلامی سازگار نیست • اسلام محمد (ص) زمین به صهیونیستها نهد که در آن کشت کنند و خوراک نارتنمی راتهیبه کنند که توده های گرسنه فلسطینی را میکشد • در اسلام محمد شراب ۵۰ ساله فرانسه نیست تا مهبطانان استعمار گروخائن آنها صهیری بد مستی کنند • اسلام محمد انقلابی است و درست پسه همین دلیل است که خلق مسلمان ایران بصوی انقلاب روی آورده است • ولی همه اینها یک روی سکه است • وحشت آنها مبرعمیق تر از این حرفهاست • ترس آنها مهران چیزی خطرناکتر و کشنده تر از بمب و تفنگ است • ترس او از مسیح نهیون تفکر انقلابی اسلامی است که مجاهدین خلق بیرو و مبلغ آندند • ما آئین نهیون به همراه نیاورده ایم ، اسلام همیشه شرقی و انقلابی و ضد ستم پسوده و خواهد بود • ما برای شکستن سد راه خدا اقدام کرده ایم و شما محکوم پسسه شکستید ( اَلَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ اَصْلَ اَعْمَالِهِمْ ، کسانیکه کفر ورزیدند و حقایق را نهد برفتند و راه خدا را سد کردند ، تمام کارهایشان پسسی نتیجه است • سوره محمد ، آیه ۱ ) و خداوند ما را به پیروزی راه حقی کهسهرگزند ما هم اطمنان داده است ( اَلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نَزَّلَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَاصْلَحَ بِاٰلِهٰتِهِمْ کسانیکه ایمان آورده اند و عمل شایسته - متناسب با شرایط روز - انجام میدهند و ایمان آورده اند به آنچه که بر محمد نازل شده است که برحق است و واقعی و از طرف پروردگار همگان ، خداوند آنها را از نقائص پاک میکند و کارهایشان رصراه شده به پیش خواهد رفت • سوره محمد ، آیه ۲ )

ما چون راه حق را میپوشیم ، راه یافته و پیروز خواهیم بود ( اَلَّذِينَ جَاهَدُوا  
 فَيُنَازِلُوهُمْ مُبِلِّغًا ، آنکه در راه ما جهاد کنند ، بتدریج پراهمای در-  
 ست تر روشن تر هدایتشان خواهیم کرد . سوره عنکبوت آیه ۱۹ )  
 ترس آریا مهر از موج بیداری مسلمانان است . ترس آریا مهر از اسلام انقلابی  
 است . اینستکه فریاد میزند انقلابی نمیتواند مسلمان باشد . آدمی پس  
 مسلمان است یا انقلابی . کسی که در انقلاب شرکت میکند حتما لا مذهب  
 است . اگر کسی هم انقلابی بود هم مسلمان ناچار دروغ میگوید ، او مسلمان  
 نیست و حتی مُرْتَد است ! ولی حقیقت چیست ؟ حقیقت اینستکه مسلمان  
 نمیتواند انقلابی نباشد . یک مسلمان یا انقلابی است یا مسلمان نیست .  
 ما مسلمان غیر انقلابی ذر قرآن سراغ نداریم .  
 اگر نبرد با ظلم فاسقین نامسلمانی است ، اگر نبرد با سلطنت پلید پهلوی نسا-  
 مسلمان است ، اگر نبرد با بهگانه پرستان نوکردست استعمار نامسلمانی است  
 اگر نبرد با تباهی نامسلمانی است ، اگر آزادی نامسلمانی است ، اگر نبرد  
 با دشمنان مردم نامسلمانی است ، ما همه مردم ایران به نامسلمانی خسود  
 اعتراف میکنیم . و اگر وطنفروشی مسلمان است ، اگر چپاول و غارتگری امسال  
 مردم و تاراج منابع ذقیقت نفت و مس و ... مسلمان است ، اگر برپاکسردن  
 تپاه کارانه ترین جشن تاریخ آدمی و خرج میلیاردها تومان از بیت المال توده  
 بهنوا برای بدستی و شکم چرانی مثنی استعمارگروختن ضد مردم و جنایتکار  
 بین المللی مسلمان است ، اگر گرمه مردن توده ای انبوه و داشتن کاخ و

هلاوتل وکشتی و هواپیمای اختصاصی مسلمان است، اگر به خانمان کردن  
 عشاير، و آواره کردن روستاهايان ، و ککوله بستن کارگران محروم و دانشجويان  
 آگاه ورزنده ، و رشکسته کردن کاسبکاران خرده يا ، شکنجه کردن زندانيان و  
 دستگیر کردن مادران و پدران پيروداغده و خواهران و برادران کوچک  
 انقلابيون فراری و شکنجه کردن آنها مسلمان است ، اگر نوشيدن خون  
 زحمتکشان و چپاول دسترنج کارگرود هقان ، گران کردن ارزاق مردم همگی  
 مسلمان است ، اگر سهردن سرتوشت ملت و کشوريد ست جاسوسان و مستغابان  
 ران آمريکايی و اسرائيلی مسلمان است ، ماهمراه همه مردم ايران به ناسا  
 مسلمان خود اعتراف دارم و آشکارا ميگوئيم که چنين مسلمانى تنها آنها مهسر  
 است ، آنها مهروهه دستگاه فرمانروايى فرعونيش )

اين برآي ما افتخار بزرگی است که رژيم شاه خائن ما را بعنوان دشمن خویش  
 شناخته است . اين نشان مبد هد که ماهيت ما درست متضاد ماهيت دستگاه  
 فرعونى شاه صفالناست . اين برآي ما افتخار بزرگی است که توانسته ايسم  
 بزرگترين حربه توده هاى خود يعنى اسلام انقلابى را در رهبري عادلانه مهسر  
 دشمن ستمگر راهنماى خویش قرار دهم . ماهيچ شکی ندارم که خداوند  
 بدست خلق بيکارگروآشتى ناپذير ايران است که ستمگران را سرکوب ميکنند  
 ( فَأُتُوا مِنْهُمْ بَعْدَ إِلَهائِهِمْ بِأَيِّدٍ يَكُومُ وَخَزَيْهِمْ وَنَضْرَكُمْ عَلَيْهِمْ . بيکارکنند با آنها  
 زيرا خداوند اراده کرده است که آنان را بهاد ستمهاى شما کيفردهد و آنها را خوار  
 سازد و شمارا - در راه عادلانمان - پاری دهد . سوره توبه ، آيه ۱۴ ) و اين

پیکاری است مقدس و باسختی است به این فرمان الهی که سرزنش آمیز گروهی  
 فرصت طلب فرمود : **وَمَا لَكُمْ لَأْتِفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاتَّضَعْتُمْ مِنْ الرِّ  
 جَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ  
 أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا** . سوره نساء  
 آیه ۷۵ . چه میشود شمارا که در راه خدا مردان و زنان و کودکان ستم دیده  
 و ضعیف شده به پیکار بر نمیخیزید ، آنانکه از روی نهایت ناتوانی میکنند پسر -  
 وردگارا ما را از این جامعه ایکه در دست ستمگران است نجات بده و - از  
 درون این مردم - برای ما از جانب خودت یاری واری قرار ده . از اینجاست  
 که از نظر دستگاه شاه خائن ، فرد انقلابی عنصرت خطرناک زهرامسم است ،  
 آشتی ناپذیر است و یاری خلق برخاسته و از حمایت خدا و خلق مسلمان پر -  
 خوردار است . و از همین رو است که رژیم وقتی قصد خون آشمارا دارد ، باید  
 ابتدا آنها را بیدین و نامسلمان معرفی کند . او در حقیقت بیش از مجاهد از  
 مکتب او وحشت زده است . از اسلام انقلابی از فرد ای که انقلاب برای منهای  
 انقلابی اوج گیرد . از این رو قصد دارد با زور و شترک مجاهد و مکتبش را یکجا بکشد  
 ولی از زبان قرآن بگوئیم : **يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَقْوَامِهِمْ وَاللَّهُ نَبِيهِ  
 وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ** . سوره صف آیه ۸ . ( میخواهند نور خدا را بادهان  
 خویش - برخلاف قوانین و بطور ذمینی - خاموش کنند ولی خداوند نورش را تا  
 پایان خواهد برد اگر چه هر کافران ناگوار باشد )

قَاتِلُوا الْفُرْسِيْنَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً • سوره توبه ، آیه ۲۶ ( درکنار  
 یکدیگره پیکار با مشرکین - ستمگران امروز - برخیزید ، همچنانکه آنها همگی  
 کمره کشتار شما بسته اند ) چوه تهرپاران ازخون همه شهیدان انقلابی  
 خلق چه سلطان وچه مارکسیست و... رنگین است • باهمان افزاری که  
 سلطان راشکنجه میدهند ، مارکسیست راشکنجه میدهند • سلطان انقلاب -  
 بی باهمان گلوله ای بشهادت میرسد که مارکسیست انقلابی • این گوهر  
 یک وحدت واقعی در صفوف انقلاب است • این وحدتی است درمهدان  
 نبرد • در اینجاست که ضد انقلاب با آویختن باینکه اسلام ومارکسیسم نمتها  
 یکی نمتند بلکه ضد یکدیگرند میکوشد انقلاب را پراکنده کند • ولی انقلاب  
 بخوبی میداند که در جنگ انقلابی کنونی میان یک <sup>انقلابی</sup> مسلمان و یک مارکسیست  
 انقلابی در نبرد با دشمن جنایتکارگانگی استواری وجود دارد • سمت گیری  
 همه بصوی دشمن است • و تفنگهای همه بصوی دشمن مردم نشانه رفته  
 است • و اینستکه برای رژیم وحشتزاست • هرکس در انتخاب عقیده آزاد است  
 ( لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ • در انتخاب دین اجباری نیست ) ولی هیچکس  
 در جنایتکاری و سفاکی آزاد نیست ( یک مارکسیست انقلابی نمیتواند دشمن  
 اسلامی انقلابی باشد و نیست • ولی نه تنها یک مارکسیست انقلابی بلکه در  
 صف اول ، یک مسلمان انقلابی دشمن آریا مهر و اسلام آریا مهر است • یعنی  
 دشمن اسلام استعماری است که با اسلام محمد (ص) ، با اسلام علی (ع) و  
 اسلام حسین بن علی (ع) با بهیارت دیگری اسلام انقلابی هیچ ربطی ندارد •

آنها مهربانانه میگوید \* هیچ ایدئولوژی برای مردم مبین ما و کشور ما تازه تر و نورش بخش تر از انقلاب سفید نیست . انقلاب سفید زائیده فکرو اندیشه بلند ایرانی است ( یعنی اگرچه این تجربه اربابان استشارگر آریامهر در تمام جهانست و منحصر بایران نیست ولی صرفاً و مجردی او را آنها بوده است ) که منطبق با محیطونمازهای توده های ایران و جبهش مرد ایران بمسوی ترقی پدید آمده است .<sup>۵۰</sup> از اینجا معلوم میشود که آریامهر که میگوید مارکسیسم متعلق به قرن ۱۸ و ۱۹ است و ایامش سپری شده در حقیقت میخواهد بگوید اسلام مربوط به ۱۴۰۰ سال پیش است و بسیار کند تر از آنست که شما آنرا در زهد با ایدئولوژی آریامهری انقلاب سفید بکار گرفته اید . ولی شهادتشان دارد که این حرف را صریحاً بگوید . زیرا با زهم انتظار دارد که بتواند در زمر اسم اسلام و تظاهر بخدا پرستی و اعتقاد به قرآن مردم را بفریبد . آریامهر که میگوید مارکسیسم ایدئولوژی متعلق بمردم اروپاست و ساختن فکری و دماغی و جوشش خون و آب و خاک بود و مان و نژاد ما منطبق نیست ، در حقیقت میخواهد بگوید که اسلام هم متعلق بمردمی بهایان گرد و گرمسیری و نژادی غیر آریائی است و ساختن دماغی و جوشش خون و آب و خاک بود و مان و نژاد ایرانی نمیخواند . ولی شهادتشان دارد که صریحاً بحد اسلامی بودن خودش و ایدئولوژی انقلاب سفیدش اعتراف کند . رژیم از پدید آمدن نونسی در وحشت است : فرهاد میزند که ای خلق مسلمان کسانی پیدا شده اند که میگویند میشود هم مسلمان معتقد و صدیق بود و هم انقلابی { کسانی پیدا شده

اند که میگویند هم میتوان در راه هدفهای مقدس اسلام کوشید و هم هرکس را  
 که بر ضد رژیم ضد اسلامی آنها مبری به نبرد برخاسته ، از هر آئین و مرامی که  
 باشد ، یاری کرده و یاری میکنند . میگویند که اگر به پول احتیاج داشتیم به  
 زهرازد شمن میگیریم و در طبعه خود دشمن بکار میبریم و به اینها افتخار میکنیم .  
 آری در جامعه مسلمان ایران بهداری خلق مسلمان میتواند بسیار خطرناک  
 باشد و اینست که پیشگام خلق ایران را باید بزهر و نیرنگ کشت و از مردم جدا کرد  
 ولی رشته های عمیق و ناگسستنی راه ما با خلق ستم دیده مان مانع از توطئه  
 سپاه رژیم است . و قتیکه مجاهدین خلق افکار ترقی اسلام را برای سایر  
 نبردهای انقلابی بهمان میکنند ، چنان پیوند عمیقی هرکس با افکار بلند و انقلابی  
 اسلام حس میکنند که شمشیر آنها مبر برای بریدن این پیوند بسیار کند است .  
 برپاساختن نماز جماعت در سلولهای زندان و بلند کردن صوت قرآن که  
 " سَهْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ " بزودی ستمگران خواهند دانست  
 که چگونه آنها را زبر و رو کنیم . پشت دشمن را بلرز در میآورد . فرهاد میزند که  
 اینها فرزند و مرتد متمدن و والد ماست ، باید خودش را ریخت ، ولی مواجه با  
 حمایت بهد ریخ روحانیت روشنفکر و مبارز و مسلمانان آگاه روشنفکر میشود . میگویند  
 این جوانان گستاخی را بجای رسانیده اند که ادعا میکنند مسلمانند و در ضمن  
 به مارکسیسم هم احترام میگذارند . راستی چرا ما به مارکسیسم احترام میگذاریم  
 شکی نیست که اسلام و مارکسیسم در همه زمینه ها با هم یکی نیستند ولی شکی



هم نیست که اسلام و آریامهرسم ( مکتب مخصوص آریامهر ) در همه زمینه ها  
 ضد یکدیگرند ، درست همانطور که مارکسیسم و آریامهرسم در همه زمینه ها  
 ضد یکدیگرند . آن مارکسیستی که علیه پیدادگری دست بهارزه میزنسد  
 درست همان دستورهائی را انجام میدهد که اسلام داده است ولی کاری  
 که آریامهرانجام میدهد درست ضد دستورهای اسلامی است . پیدادگری  
 است و تباہی . آن مارکسیستی که در راه مردم تن به شهادت میدهد و  
 در کنار چومه اعدام فریاد آزادی آدمی را با گلولی انباشته از خون بلند میکند  
 و هرگز در برابر پیدادگری سرفروید نمیآورد درست دستور علی بن ابیطالب را  
 بکار میبرد که در وصیتش به دیگرانی فرزندش فرمود : **كُونُوا لِلظَّالِمِ خَضَمًا وَ  
 لِلْمَظْلُومِ عَدُوًّا** ( دشمن ستمگروا و مستعبدیده باشید ) ولی دستگاه آریامهری  
 که برای هرزگی و خوشگذرانی چند روزه میلونها انسان را به بینوائی و سردگی  
 میکشد درست دستور معاویه و زید را بکار میبندد . آیا آن ویتنامی دلیری که  
 برای آزادی با کالبدی نحیف و استخوانی در برابر تانک جران غول بیکر آمریکا -  
 شی مردانه همچنگد با سلام نزد بکتراست یا آریامهری که با اسرائیل علیه خلق  
 عرب و همه خلقهای ضد استعماری همکاری میکند ؟ اسلام دشمن ستمگره به  
 مارکسیسم دشمن ستمگراچ میگذارد و میتواند دوشادوش همه آنها علیه آریامهر  
 ستمگره نبرد برخیزد ، زرادشمن هر دو یکی است : ارتجاع - استعمار .  
 زرادشمن و آنها با یک دشمن روبرو هستند : ضد انقلاب .

واین نبرد هم اکنون آغاز شده است . این دستگاه آریامهری است که مانع از بازگ کردن حقایق انقلابی اسلام شده است . وگرنه هر جا که ما این حقایق را آشکارا برای انقلابیون بازگفتیم توانستیم در بسیاری زمینه ها بتوافق برسیم . هر کس که از سرچشمه پاک و انقلابی اسلام نوشید در مقابل عظمت اسلام و قرآن آفرین گفت . راست بود سخن خداوند که فرمود : قرآنرا فرورستادیم و خود نگهدار آئیم . ( إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ) همه توطئه های خائنه برای پوشاندن خورشید تابان اسلام در هر عصر و زمانی به شکست انجامیده است و امروز نیز خورشید اسلام باردیگر بروج هر انسان شرافتمند و آزاده ای نور و گرمی میبخشد و ما امید میدهد که " فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَاتَّمِ الْإِعْلُونَ وَاللَّهِ مَعَكُمْ وَلَنْ يَهْتَكَمَ أَعْمَالَكُمْ " سست نشود و من به تسلیم ندهید ، خدا با شماست و شطابرتی آشکارا در دواعمال انسان هرگز تپاه می نتیجه نخواهد بود . - سوره محمد آیه ۲۵ -

در اینجا است که ضد انقلاب مذبحخانه میکشد تا با تقیض گوئی شاید بتوانند صفوف انقلاب را زهم بگسلد . . . . همگی اینها گواه آشکار بهار انقلاب و آهنگر ضد انقلاب است . آویختن به ریسمانهای کهنه و دیرپرسیده گذشته گواه چیست ؟ گواه ورشکستگی است . گواه گمستن همه زنجیرها نیست کسه استوار بنظر میرسد . گواه رشد و نمو پدیده نوینی است که رشته هاشمی را میگسلد که استوار بنموندند و رشته هاشمی را می یافند که نمیشد باور کرد . گواه آغاز زندگی انقلاب و مرکز ضد انقلاب است .

باین دلیل استکه وحدت کلیه نیروهای ضد استعماری در مرحله ایکه دشمن  
 کمزیرانند و بنا بر روی جنبش عادلانه مردم بسته است امر مستحیاتی و هر  
 کس که بخواهد با ایجاد هر نوع مانعی سد راه این وحدت گردد ، آشکارا آب  
 با سیاه دشمن میریزد و آشکارا خاشن با اهداف انقلاب است . بنابراین همه  
 تفنگها باید بسوی دشمن نشانه رود و همه نیروها در صفوفی فشرده در راه انهدام  
 کامل دشمن قدم بردارند ( إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا  
 كَأَنَّهُمْ بَيْنَهُمْ رِجَالٌ مَّرصُوعٌ - سوره صف آیه ۴ - خداوند آنان را که در راهش در  
 صفوف استوارانه نبرد برخاسته اند دوست دارد ) .

در اینراه ، پیشگام بحمايت همه نیروهای مرفی و انقلابی سخت نیازمند  
 است و کشودن جبهه های جدید خارج از بهارزه مسلحانه علیه دشمن آشنا-  
 لگر عملی است در جهت نابودی جبهه پیشگام . ( فَاتِلُوا آيَةَ الْكُفْرِ -  
 سوره توه آیه ۱۲ - ببینوا یان رهبران کفر و کاری را بکشید ) .

آیا يك مسلمان مسلمان دیگر را میکشد ؟

نبرد ما يك نبرد ماهیتا طبقاتی است که در آن نیروهای استعمار شده برضد  
 نیروهای استعمارکننده در نبردند . برای ما با خدا بودن ، با مردم بودن  
 و در مقابل ، دشمن خدا و مردم بودن اصل است . ما خود را با يك دشمن  
 خارجی روبرو نمی بینیم که مثلا فلان نژاد یا فلان دین و مذهب را داشته  
 باشد . دشمن ما بظواهر ایرانی است و با دعا مسلمان ، ولی ماهیتا استعمار

گروجناینگار . درجهبه دیگر نیز هموطنان مسلمان ماد زبرد با حکومت چهار  
 وفاسد پهلوی بصر میبرند . ظاهر ادراین میان تنها مسلمان کشته میشود  
 ولی در واقع نبرد مان ، نبرد حق و باطل است ( بسیاری از جنگهای علی  
 (ع) با همین مسلمانان که در توطئه های ضد مردمی ضد اسلامی ناآگاهانه  
 شریک بوده اند ، انجام شده است . علی پاکسانی همچنین که از کثرت نماز  
 پیشانیهای آنها کبود شده بود ) هر کس قدمی در راه حمایت از هیأت حاکمه  
 فاسد بردارد محکوم بمرگ است . زبرد پگراونه تنها یک ایرانی نیست بلکه  
 سلطان هم نیست . چرا که از یک رژیم ضد مردمی ضد اسلامی ارادل و او هاش  
 هرزه د پاری حمایت میکند . اگر آگاهانه اینکار را بکنند مستحق بدترین مرگ  
 است ، و اگر عمل او از روی نادانی است ، فرصت کافی برای در کجنا ینگار بها  
 ی رژیم دارد . و اگر خود را ناگزیر میبینند باید بدانند که در هیچ ناچاری بدلیل  
 خیانت در حق مردم پذیرفته نیست .

وقتی استعمار - ارتجاع مردم را تاراج میکند ، برای اینکه این تاراج را دنبال  
 کند ، تعدادی از این مردم تاراج شده را بنام " سازمان امنیتی خرد پسا "  
 " ارتشی " ، " پاسبان " ، " کارمند بانک " و . . . استخدام میکند و از طرفی  
 آنها را رابطی میان خود و مردم قرار میدهد ( همان سیاهی ای که علی (ع)  
 در خطبه ای که قسمتی از آن در آغاز بهمانیه آورده ایم اشاره میکند ) و از سوشی  
 دیگره نگهبانی چنین نظام شومی میگذارد و آنها نیز در صهرفته از روی بیچارگی

وقد ری هم نادانی به چنین ننگی گردن مینهند . وقتیکه از میان همین مردم تاراج شده کسانیکه تاراجگر اصلی را میشناسند به نبرد پرمیخیزند ، تا راجگر اصلی همان خود ورزشندگان توده و پاتوده رزمنده سپاهی ازستخدا مینش را میگذارد که خود چپاول شده همین مناسبات دولتی بآن آگاهی ندارند ضد انقلاب اینها را کور و کور با رما آورد و اینها رفته رفته میپندارند که نظام موجود متعلق بخود اینهاست ، پس در مقابل نیروی انقلابی ایستادگی میکنند و روشن است که برای نیروهای انقلابی راهی جز دفاع از انقلاب باقی نماند . برای دفاع از انقلاب مجبور است مهاجم را بکشد . بدینسان سربازان و سپاهان و ژاندارمها و کارمندان جزء سازمان امنیت و کارمندان بانک کشته می شوند . بدیهی است که نیروهای انقلابی نمیخواهند آنها را بکشند بلکه تنها میخواهند نظامی را از هم بپاشند که باعث نادانی و بدبختی خود این انسانها نیز هست ولی آنان باین امر دانستگی ندارند . اکنون معلوم می شود قاتل کیست . آیا قاتل انقلابی راستینی است که برای برانداختن مناسباتی کشتار آفرین به نبرد برخاسته یا ضد انقلابی چون آریامهر که خود چون موش زبون و ترسودر پستوی کاخهای تودرتوینها میشود و فرزندسان پهنوای کارگران و دهقانان بی خانمان را بنام کارمند خرده پای سازمان امنیت ، ارتشی ، گارد شهربانی و ... گرداگرد خود میچیند تا بجای خود آنها را بکشتن دهد ؟ بدیهی است قاتل آریامهر است ، ارتجاع - استعمار است و این مناسبات محوس جهانی است . انقلابیون بارها گفته اند و از هم

میگویند که هیچ سرمایه‌ساز و کارمند شرف بانك و ... را در زمین خود نمی‌دانند . انقلابیون همه اینها را دست دارند و در آنها را محس می‌کنند . در آن جوانی را که از رویکاری و گرسنگی خود و خانواده اش به تنگ آمدی سازمان امنیتی شدن و خیانت کردن می‌بندد ، می‌فهمند . نبردی که چریکها آغاز کرده اند برای کشتن آنها نیست ، بلکه برای ازمیان برداشتن این دستگاه پیدا گریست که شریعتندانش خود در کاخهای افسانه ای می‌خوانند و آنها که هیچ ندارند با پستی پاسداری اموال آنان را بگردن بگیرند . مانتها سینه ای را سوراخ می‌کنیم که سوی سینه ما نشانه گیری کرده و قصد سوراخ کردن سینه ما را داشته باشد . در قرآن هم آمده است : **فَاذِ الْقَيْمِ الدَّيْمِ كَفَرُوا فَضَرَبَ الرَّقَابَ** . . . سوره محمد آیه ۴ - ای کسانی که ایمان آورده اید ، وقتی که باید کاران رهروشدید گردنهای آنها را بزنید و خون آسینان سنان کنید تا اینکه جنگ با خود را بر زمین بگذارد و پایان برسد .

رزم جنایتکاران را در جای دادخواست های قبلی ، خواهشها و حتی عجز و لابه های گذشته در مقابل خود فریاد گلوله ها را می‌شنود ، سخت بهراس افتاده و بالحنی که از یکطرف بوی گند تیرنگ و عوافریمی مدهد و از طرفی نشانه ترسناک موج نهن انقلاب مردم است میگوید : " آن بیکاری که برای رضای خدا در اسلام آمده است و همیاری است ، بیکاری با نفس سرکش است . بیکاری با اندیشه بد و خرابکاری و دزدی است . و اگر مقصود از بیکاری شما ( یعنی شما انقلابیون )

جنگ خونین سینه بمسینه است ، آن جنگ در اسلام جنگ با کفار است ، آنها هم با کفار حری ، حتی نه آن کفاری که بی سلاح و پناه هستند ( )  
 زهی بهتری ( بسیار هم درست است ، در اسلام د و گونه جنگ وجود دارد یکی جنگ بانفس سرکش و دیگری جنگ با کفار . آپا کسیکه بر نفس خود چیره نیست میتواند سر باز خوبی برای جنگ با کفار باشد ؟ بهیچوجه . برای این که آزادانه و شجاعانه بتوان گام بدرون میدان نبرد ی خونین گذارد که مرگناز همه جای آن مهجوشد ، نخست بایستی از مرگ نهراسید . بایستی از وجودا نی پاکبر خوردار بود . و بایستی خود را چون قطره ای کوچک از دریا ی بهناور و زرف انسانییت دانست . دنیا را برای خود نخواست . نخست بایند دارای اندیشه اگوالا و انقلابی بود . و در یک جمله ، بایند تقوی داشت و همه انبیا همان بیکار بانفس سرکش است . و ما درست بهمین دلیل در بیکار با نفس سرکش پیروز شده ایم ، توانسته ایم که در جنگ " سینه بمسینه " با ضد انقلاب مردانه پافشاری کنیم . از زندان نهراسیم و شکنجه ما را ازای درنهای ورد و کباخته بسوی شهادت و ملاقات پروردگار گام برداریم . ولی کسیکه برای بدست آوردن و حفظ تاج و تخت ، خود را و مردم را باستعمار فروخت ، چنین کسی اسپر نفس سرکش و موسسه شیطانی است . چنین کسی همسان شاهنشاه آریامهر است . اگر کسی در زمانیکه ملیونها انسان از گرسنگی و بیماری جان میکنند ، جشنهای میلیاردمانی تاجگذاری بر پا کرد و شکم چرانان بین المللی را بسور چرانی و شراب ۵۰ ساله در جاد رهای زمین فرا-

خواند ، چنین کسی اسپرنفَس سرکش است و چنین کسی همین شاهنشاهان را  
 مہر است . اگر کسی در آنہنگام کہ ملیونہا انمان در پیغولہ ہاوزانہ ہا از  
 سرماسپاہ میشوند و ہزاران انمان در خیا بانہای ہمین پایتخت از سرماسا  
 خشک میشوند خود ہر ای اسکی بازی بہ سویں مہرود چنین کسی اسپرنفَس  
 سرکش است و او همان آنہا مہر است . اگر کسی در جہانیکہ ملیپار دہا انمان  
 کترین پوششی نہ دارند ہر روز کد ست لباس عوض کند و التوہای پوست چند  
 ملیون توانی از استعمارگران خریداری کند ، چنین کسی اسپرنفَس سرکش  
 است و چنین کسی ہمین شاهنشاه آنہا مہر و مہرگرامشان است { اگر  
 کسی در زمانیکہ ہزاران کودک از بی شہری جان میدہند ، حمام شہر بگیرد  
 تا پوست تنش لطیف شود ، چنین کسی اسپرنفَس سرکش است ، و دیگر نیازی  
 بہ توضیح نمی بہنم .

در عوض اگر کسی برای انسانیت و در ہم کوہیدن کاخی دست بہنبرد زند ، اگر  
 کسی در برابر اینہمہ بیدادگری و پیدی آواشی ہر آورد ، چنین کسی در بیکار  
 بانفَس و سوسہ ہای شیطانی پیروز شدہ است . و چنین کسانی مجاہدین و  
 انقلابیون ہستند . مجاہدین نیز اگر اسپرنفَس سرکش بودند و اگر در بیکارہا  
 و سوسہ ہای شیطانی پیروز شدہ بودند ، نہتوانستند همچون آن جانہان  
 خود فروختہ و ہرزہ " مقامات امنیتی " همچون خائنین کشوری و لشگری ہر روی  
 استخوان ہای تودہ ، کاخہای بیداد را ہرہاکنند و ہر شب در کاہارہ ہا ہلولند  
 و تہاہی کنند .



مجاهدین در دست بدلیل پیروزی بر نفس سرکش و سوسه های شیطانی است که بد و مین جنگ یعنی جنگ سینه بسینه با کفار حریبی پرداخته اند .  
 " لا یضیع الضیم الذلیل ولا یدرک الحق الا بالحد " ذلیل و ترسو نمیتواند از ظلم و سستی مانع گردد و حق بدست نمآید مگر وسیله قدرت . ( از تهج الهلا - غه علی (ع) ترجمه فیض الاسلام صفحه ۹۵ )

آیا چهره کجا بجز کفار حریبی کسی دیگر را نیز میکشند ؟  
 هرگز ! چهره کجا تنها کفار حریبی را میکشند . کفار حریبی چه کسانی هستند ؟ کسانی که دارای ارتش و اسلحه اند و بی ادگری میکنند و مردم ستم روا میدارند کفار حریبی کسانی هستند که بیعت المال نموده را فدای خوشگذرانیهای خود میکنند و چون آوای راستی را میشنوند ، میکوشند آنرا با زور و نیزنگ خاموش سازند . کفار حریبی سران و تبهکاران در بار و ساز زمان امنیت و ارتش و شهرداری - اند . دولت و شاه و دستگاه فرمانروایی ایران همگی در دست کفار حریبی می - باشند . همین کفار حریبی بودند که کارگران بیدفاع جهان چیت راهی مسلسل بستند . کارگران جهان چیت مگر چه میخواستند ؟ آنها حتی همه حق خود را هم نمیخواستند . آنها میگفتند پس از این همه گرانی که نتیجه فساد و چپاول دربار و دولت است ، دست کم ( اندکی بر مزد ناچیز ما بیفزائید تا شاید بتوانیم همان نان سپاه پیشین را بازن و فرزند گرسنه خود بخوریم ولی پاسخ این در - خواست عادلانه گلوله بود ) در دست بهمین دلیل است که دیگر مردم در خوا - ست نمیکشند ، بلکه حقوق خود را با جنگ و دندان و گلوله های سرخ از حلقوم

غاصبین بیرون میکشند • کسانیکه کارگران بی سلاح جهان چیت و کوره پز  
خانه و روستائیان بیسلاح همدان و کردستان را بهیرحمانه و ناجوانمردانه می-  
کشند کفارحری هستند و چه کجاها رست با همین کفارحری است که جنگ  
سینه پسته برداخته اند •

پستی و زبونی جلوه های گوناگون دارد • عام ترین جلوه آن در روشی و  
پوشاندن حقیقت است • رژیم می خواهد و امید کند که ما با دستگاهی جنگ  
برداخته ایم که "بی سلاح و بی دفاع" است ( راستی که بی سلاح و بی دفاع  
خرید پس از سه میلیارد دلار اسلحه که بزرگترین سفارش اسلحه در تاریخ خرید  
و فروش سلاحهای دنیا بوده است برای چیست ؟ آیا هزاران مستشار نظامی  
آمریکایی و اسرائیلی در ایران ، امثال هاوکینزها و پریس ها همه " بی سلاح  
و بی دفاعند " ؟ آیا فرسوده و اوضاعها همها " بی سلاح و بی دفاع" اند ؟ آیا "هلمز"  
سرکرده جاسوسان آمریکا در سال ۱۹۷۰ بدون سلاح بکشتر خلق قهرمان  
فلسطین در اردن برداخت ؟ آیا این سلاحهای آمریکایی ارتش اسرائیل  
نیست که سینه های پاک انقلابیون ایران و انقلابیون عرب در ظفار و فلسطین  
را میشکافت ؟ آیا گلوله های پلیس ضد خلقی آریا مهربان بود که در همدان انشجوی  
قهرمان را همین امسال به خاک و خون کشید ؟ آیا همین افراد با اصطلاح  
" بی سلاح و بی دفاع" نبودند که هزاران نفر از توده های پسته آمده مارا در  
۱۵ خرداد ۴۲ قتل عام کردند ؟

رژیم ادعا میکند که دستگاه او "بی سلاح و بی دفاع" است و الا تراز همه  
 "مسلمان" است ! و "در هیچینک از مذاهب اربعه سنت و جماعت کشتن  
 مسلم و مسلمه مجاز نیست" ولی همه مذاهب اربعه سنت و جماعت کشتن  
 کافر حربی یعنی شما و همه دستگاه آریامهری را مجاز میدانند . زهرا شما کفار  
 حربی هستید که از یختن خون پاکترین و والاترین فرزندان مسلمان این  
 خلق ابا نداشتید . آیا این شما نبودید که تجاوز به حقوق مردم را شروع کردید ؟  
 شما نبودید که طی کمتر از یکسال صد فرزند قهرمان خلق ما را کشتید و خلقی را در  
 غم این فرزندان گرامی عزادار کردید ؟ ننگ و نفرین ابدی برای این هرزه ترین  
 هرزگان تاریخ بشریت ! "تکادون ولا تکیدون" بخار علیکم ولا  
 تغمرون تغمرون ولا تغمرون بحمی الله و ترضون" . علی (ع) خطبه ۲۷ - چرا  
 زمانیکه بشما حمله و نیزنگ میزنند حمله و نیزنگ نمیزنید ؟ چرا وقتیکه شما را مورد  
 هجوم و غارت قرار میدهند بر آنان غارت و هجوم نمیبرید ؟ چرا وقتیکه با شما جنگ  
 افروزی میکنند با آنها نبرد نمیکنید ؟ و چرا زمانیکه بر خدا عصیان میسوزند  
 آسوده خاطرید و این امر رضایت داده اید ؟ "قلب والله الضخاض لسون"  
 میگویند بخدا آسانیکه تن به تعلیم دهند حتما شکست میخورند .

نبردی را که پیشتر از خلق شروع کرده است به حمایت بهید ریخ مردم نیاز دارد .  
 تردید و غفلت از حمایت جنش ، بسا که زخمی د پراشتام ، بر بیگر جنش وارد  
 سازد . دشمن سفالت برای سرکوبی جنش مصمم است و قدرت عمده اش را در

جد کردن وجد انگهداشتن بیشتاز مردم بکارنداخته است . اینستکه باید برعلیه این توطئه شیطانی فدا علم کرد . این توطئه های شیطانی را شناخت و شناساند . این نیرنگها و دسمه بازمهای جنایتکارانه تحت یک توطئه سکوت و خفقان دیکتاتوری که اکنون بر ایران حاکم است انجام میگردد . اینستکه حمایت از جنبشی که بیشتاز آغاز کرده است، لزوماً بستگی دارد بشروع نبرد برعلیه دیکتاتوری حاکم با هر وسیله ممکن . اینستکه حمایتی که از طرف عناصر صادق و وطنخواه صورت میگردد لزوماً باید شکلی فعال داشته باشد . تنها اشک ریختن در سوگ شهادت فهرا مانان پیشگام جنبش و توسل به هر چه از دگر که صورتی فعال و زنده نداشته باشد ، جز وقتها را از دست دادن و از جیب نبرد عقب نشستن معنی دیگری ندیادهد .

سکوت در مقابل ستگرهکاری با ستگر است . سکوت در مقابل تجاوزکارا جز تسلیم در مقابل تجاوز و فداگری اومعنی دیگری ندارد . و از طرفی فهرا در مقابل ستگر ، فهرا در مقابل تجاوزکارا گرنوام باره و نقشه حساس شده نه باشد ، موثر نخواهد افتاد . و درست بدلیل گشایش راه صحیح و موثر نبرد برعلیه ست و تجاوز است که بیشتاز خلق ، زنده ترین و مستعدترین و فداکارترین شهروترین فرزندان خلق رسالت راه گشایی را بعهده میگیرند . ولی در این میان اگر از حمایت خلق بطور موثر برخوردار نگردند ، مسئله از حد قربانی دادن های بیشمار فراتر نمیرود .

پیش از دو سال از شروع جنبش مسلحانه در مهاباد ما میگردیدیم که با شکستها ،  
 محرومیتها ، موفقیتها و هشرفتهای چشمگیر رسیدیم مردم بسیاری نبرد مسلحانه  
 توأم بوده است . گرچه ضربه های وارده بر جنبش هولناک و مهلك بود ،  
 گرچه قربانیها فراوان و جانگداز بود ، ولی جنبش با برخورداری از حمایت  
 گروههای نوخاسته ای که بمیدان نبرد قدم گذاشتند و با برخورداری از حمایت  
 مادی و معنوی مردم ، نیمه جان خود را از ضربات هلاکت بار دشمن نجات  
 داد و آزادی کسانیرا که برای تشییع جنازه جنبش جوان ملاحظه شماری می-  
 کردند ناکام گذاشت . جنبش تا پای مرگ رفت ولی نمرود .

و امروز با بیکری زخم خورده در حالیکه دست بر تجربه دارد و دستاورد هسای  
 انقلابی فراوان کسب نموده و خون پیش از صد شهید را پشتوانه راهش کرده ،  
 با آرامی و هوشیاری و قدرت نمایی گام بر میدارد . تا روزیکه دستگاه دیکتاتوری  
 شاه خاشاک را در هم بپزد و تنگ آریا مهر ، تنگ پهلوی و آریابان آمریکایی -  
 انگلیسی و اسرائیلی را از دامن وطن پاک کند .

شهید ای که جنبش در راه داده است و الاثرین و فد اکاثرین فرزندان خلق  
 بوده اند . و حرکت سهل آسای جوانانیرا که بر راه گلگون نبرد قدم بر میدارند  
 و در بر تود رخشان راهیکه پیش از ۱۰۰ شهید قهرمان آن را روشن ساخته  
 معصمانه حرکت میکنند ، ارزنده ترین ضامن بقا و پیروزی جنبش عادلانه خلق  
 است . و اینست که این خروش الهی در کاخ مستکاران میبچد و لرزه بر اندام

جناپتکاران خائن د ربار آریامهري مهاند از دکه :

- بزودی ستگران خواهند دانست که چگونه آنها را زهرور خواهم کسرد .
  - وارگون باد بساطضد انقلاب سرچشمه ستمها ، د روضهراکنیها وآد مکشیها .
  - هرچه استوارتر باد وحدت نیروهای روزنده خلق د برابر دشمن مشترك .
  - نیرومند باد پیوند خلق با پیشگامان روزنده اش .
  - هرچه گسترده تر و عمیقتر و یکپهتر باد مبارزه مسلحانه رهائیبخش خلق .
- مجاهدین خلق ایران •

۵۲/۲/۳۰

